مدیریت شهری
شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۱
No.29 Spring & Summer
۱۱۵-۱۳۰
زمان دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۱ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۶/۱۴

ارزیابی جایگاه الگوهای بومی‌در برنامه‌های ساخت و ساز مسکن روستایی؛ مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی

حامد بیتی*- عضو هیات علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

توسعه روستاها و مقاوم سازی مسکن روستایی همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های دولتمردان و برنامه ریزان روستایی بوده و در این راستا طرح‌های متنوعی در قالب برنامه‌های توسعه به اجرا گذاشته شده است که طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی متاخرترین و یکی از مهمترین این طرح‌ها درکشور می‌باشد؛ طرحی‌که با هدف تامین مسکن متناسب، مقاوم و با دوام روستایی شکل گرفت و با نوسازی سالانه حداقل دویست هزار واحد مسکن روستایی به یکی از تاثیرگذارترین برنامه‌های معاصر توسعه روستایی درکشور تبدیل گردیده و روند تغییرات به وجود آمده درکالبد و سیمای روستاها را شتاب بخشیده است. با توجه به چشم انداز این طرح، نوسازی‌های به عمل آمده می‌بایست، ضمن تامین مسکن مورد نیاز روستائیان، باعث ارتقاء کیفی واحدهای مسکن روستایی و ترویج «الگوهای بومی‌مسکن روستایی» می‌شدند، اهدافی‌که به نظرکارشناسان، تحقق‌کامل آنها بعد ازگذشت حدود شش سال از اجرایی شدن طرح همچنان محقق نگردیده است. این مقاله ضمن معرفی اجمالی اهداف طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی، به بررسی اهمیت این طرح در توسعه معاصر روستایی اقدام می‌نماید، سپس با بررسی روند ساخت و ساز مسکن روستایی در قالب این طرح به ارزیابی جایگاه الگوهای بومی‌مسکن روستایی در قالب این طرح می‌پردازد تا با شناسایی حوزه‌های تاثیرگذار بر اجرای الگوها، علل عدم کامیابی کامل طرح در بکارگیری الگوهای بومی‌مسکن روستایی را مشخص نموده و پیشنهاداتی برای بکارگیری ارزشهای‌کم رنگ شده وگاها از یاد رفته معماری در ساخت و سازهای معاصر مسکن روستایی ارائه نماید.

واژه‌های کلیدی: مسکن روستایی، الگوهای بومی،کالبد روستا، برنامه ریزی روستایی، طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی

Analyzing position of the local patterns in upgrading countryside dwelling (based on studying on East Azerbaijan province)

Abstract: development of countryside dwelling always was one of the important disturbance of the politicians & programmers of countryside area and in that direction different schemes in the form of the development programs have been run, that special scheme of the upgrading and updating of country side dwelling is last and important of those are in the country; a scheme with a goal of preparing relative, stable countryside dwelling was created and with updating minimum 200 thousand countryside dwelling a year is changed to the most effective contemporary countryside development programs in Iran and the process of the changes that happened in frame and shape of the countries is accelerated. According to outlook of the scheme that updates should be meantime preparing dwelling of country men , causing increase the quality of the every dwelling and circulation of the "local patterns of countryside dwelling ", the goals that in point of the specialists completing all of this after six years of being executive the scheme is not come into conclusion. This paperwork meantime introducing briefly the goals of the special scheme of updating and upgrading of countryside dwelling , it considers of importance of this scheme in development contemporary countryside dwelling after that with consideration the direction of constructing countryside dwelling in form of this scheme analyzes the position of local patterns of countryside dwelling so with introducing effective zones at running patterns understand the cause of not performing completely of scheme in using local patterns of countryside dwelling and suggest for using the values, which are important and in present day are not using anymore and sometimes present this values that is similar at architecture constructing of contemporary countryside dwelling.

Keywords: countryside dwelling, local patterns, frame of the country, country programming, special scheme of upgrading country side dwelling

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۴۴۰۴۶۴۳، رایانامه: hamed_beyti@yahoo.com

مقدمه

کشور ما جزء بلاخیزترین کشورهاست و روستاهای ما آسیب پذیرترین بافتها در برابر این بلایا بشمار می‌روند. بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ در حدود ۳۱/۵ درصد از جمعیت کل کشور روستایی بوده که این تعداد در ۴۴۲۸۰۴۶ واحد مسکن روستایی ساکن هستند.[۱] زمانی این آمار تامل برانگیز می‌شود که بدانیم در این بین فقط ۱۴ درصد از واحدهای مسکونی روستایی بادوام بوده و بقیه آنها را ساختمانهای کم دوام و بی دوام تشکیل می‌دهند، فرسودگی، افت کیفی شاخص‌های مسکن روستایی و آسیب پذیری سکونتگاههای موجود روستایی کشور در برابر حوادث طبیعی از یک طرف و رشد طبیعی جمعیت و کمبود مسکن از دیگر سو، و همچنین تغییر زیرساختهای نظام روستایی و شرایط زمانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روستا، و عدم پاسخگویی فضاهای قبلی به گرایشات جدید، نیاز به تامین مسکن جدید روستایی را بیش از پیش می‌نمایاند. اما در این میان، مساله پراهمیت ساخت مسکنی است که درکنار مقاوم بودن و پاسخگویی به نیازهای جدید ساکنان خود، واجد ارزشهای هویتی بوده و مبتنی بر الگوهای بومی مسکن روستایی باشد.

این پژوهش به بررسی یکی از تاثیرگذارترین برنامه‌های توسعه مسکن روستایی تحت عنوان «طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی» پرداخته و با بهره گیری از راهبرد تحقیق کیفی به مطالعه و بررسی وضعیت ساخت و ساز مسکن روستایی اقدام می‌نماید. در این راستا از مصاحبه با روستائیان و دست اندرکاران حوزه برنامه ریزی مسکن روستایی و تجارب نگارنده به عنوان همکار حوزه مسکن روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی بهره گرفته شده است.

۱- نحوه تامین مسکن روستایی

ساخت و ساز روستایی از طریق ساخت مسکن بدون حمایت دولت (ساخت شخصی)، و همچنین ساخت و ساز با حمایت و مشارکت دولت امکان پذیر میباشد (نمودار شماره ۱).

۱-۱ ساخت و ساز روستایی بدون دخالت و حمایت دولت (ساخت و ساز شخصی)

روستاها در طول تاریخ دیرینه خود شاهد توسعه تدریجی از طریق ساخت و ساز خود روستائیان با معماری ارگانیک بوده‌اند و دیر زمانی بعد از آن و پس از آشنایی و

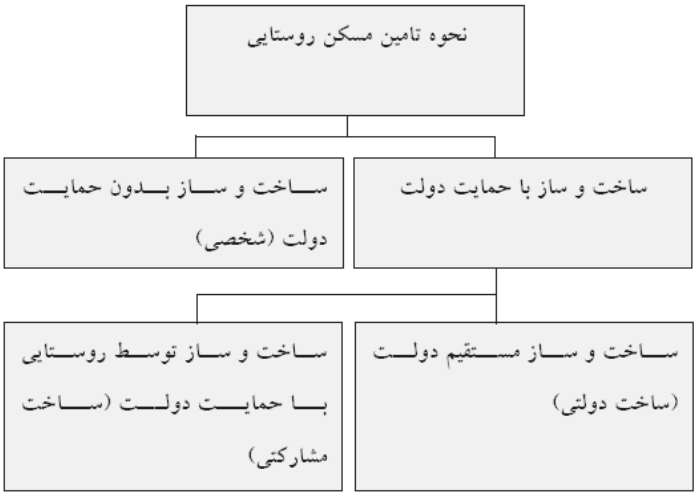

نمودار ۱. بررسی انواع طرق تهیه مسکن روستایی از منظر مشارکت دولتی؛ ماخذ: نگارنده.

۱. طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ از مجموع ۷۰۴۷۲۸۴۶ نفر جمعیت کشور تعداد ۲۲۲۲۷۷۷۱ نفر روستایی بوده‌اند. ر.ک (آمار مرکز ملی آمار ایران)

سپس وابستگی آنان به شهر، معماری التقاطی و نهایتا معماری شهری به روستاها راه یافته است، این نوع ساخت و ساز که باعث شکل گیری بافت روستاها شده است، معمولا بسیارکند بوده و احداث مسکن جدید را منحصر به مواقع خاص می‌نماید و رغبت چندانی از سوی روستائیان به نوسازی مسکن روستایی و ساخت خانه جدید مشاهده نمی‌شود.

بررسی علل این موضوع در مجال این گفتار نمی‌گنجد، اما یکی از دلایل تاثیرگذار بر میزان تمایل روستائیان به ساخت و ساز مسکن روستایی مساله فقر میباشد. آخرین آمارها از وضعیت فقر در ایران نشانگر آن است که جوامع روستایی به نسبت بیشتری از جوامع شهری با پدیده فقر روبرو هستند، (غفار، ۱۳۸۵، ص ۸) تا جائیکه علی رغم اختصاص حدود ۶۰ درصد از وسعت کشور و حدود ۳۱ درصد از جمعیت آن به مناطق روستایی، روستائیان در زمینه اقتصادی نه فقط قدرت اقتصادی چندانی ندارند، بلکه در اقتصاد پولی نیز نقش تعیین کننده‌ای نداشته و بسیاری از روستائیان در شرایط اقتصادی نامطلوب و زیر خط فقر زندگی می‌کنند.[۲] (جدول شماره ۱) بنابراین سرعت ساخت وساز روستائیان پاسخگوی نیاز شدید به مسکن مقاوم روستایی نمی‌باشد.

۲-۱ ساخت و ساز روستایی با حمایت دولت (ساخت و ساز دولتی و ساخت و ساز مشارکتی)

دولت‌ها نوسازی مسکن روستایی را به دو صورت دخالت مستقیم و احداث واحد مسکونی توسط آنان و سپس تحویل به مردم و یا از طریق حمایت فنی و مالی و با مشارکت مردم دنبال می‌نمایند. دخالت مستقیم دولت‌ها برای ساخت مسکن روستایی تضمین چندانی برای موفقیت نداشته است. هزینه‌های مالی سنگین، محدودیت منابع دولتی و نیاز به حضور و نظارت گسترده، مهمترین علت پرهیز دولتها از چنین اقدامی است (سرتیپی پور، ۱۳۸۷، ص ۷). تجارب کشورهای دیگر و همچنین تجربه به دست آمده در زمینه ساخت و ساز مستقیم دولت در مناطق جنگ زده نشان میدهند، بهترین شیوه برای بازسازی و نوسازی خانه‌های روستایی ایجاد بستر مناسب با حمایت فنی و مالی دولت از طریق اعطای تسهیلات و وام با شرایط ویژه و در اختیار قرار دادن

جدول ۱. بررسی مساله فقر جوامع روستایی در بازه زمانی ۶۳-۷۸؛ مآخذ: مرکز آمار ایران.

دوره	درصد فقر نسبی	درصد فقر مطلق
۱۳۶۷-۱۳۶۳	۲۲.۱۵	۲۳.۷۷
۱۳۷۲-۱۳۶۸ (برنامه اول توسعه)	۲۳.۳۷	۲۵.۷
۱۳۷۸-۱۳۷۳ (برنامه دوم توسعه)	۲۲.۲۲	۲۲.۳۸

۱. بحران فقر بر مساله دوام خانه نیز تاثیرگذار است. جدول زیر وضعیت گروههای درآمدی خانوار استان آذربایجان شرقی را از نظر برخورداری از مسکن مقاوم در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده میشود، مقاومت مسکن در گروههای فقیر جامعه از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشند.

جدول زیر: بررسی دهکهای درآمدی از نظر برخورداری از مسکن مقاوم، سال ۱۳۸۵؛ مأخذ: طرح جامع مسکن استان آذربایجان شرقی، - مهندسین مشاور نقش محیط.

دهک	اسکلت فلزی	اسکلت بتنی	سایر
۱	۸.۹	۴.۴	۸۸.۹
۲	۸.۹	۲.۲	۸۸.۹
۳	۲۲.۲	۲.۲	۷۳.۳
۴	۲۰.۰	۴.۴	۸۰.۰
۵	۲۲.۲	۰.۰	۷۵.۶
۶	۱۵.۶	۲.۲	۸۰.۰
۷	۳۱.۱	۴.۴	۶۰.۰
۸	۲۲.۲	۸.۹	۶۸.۹
۹	۲۶.۷	۸.۹	۶۴.۴
۱۰	۳۳.۳	۸.۹	۴۸.۹
میانگین	۲۱.۱	۱.۸	۷۲.۹

مواد و مصالح ساختمانی با قیمت مناسب در اختیار مردم و هدایت فنی آنها و احداث خانه توسط مردم می‌باشد. آثار موفقیت آمیز چنین نحوه برخورد با نوسازی مسکن روستایی باعث شد برنامه ریزی‌های به عمل آمده دولتی در قالب برنامه‌های توسعه پنج ساله برای بهسازی و نوسازی مسکن روستایی، بر این اساس تدوین گردند (سرتیپی پور، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

۲- بررسی برنامه‌های دولتی توسعه مسکن روستایی

هر چند اجرای برنامه‌های حمایتی دولت یکی از ابزارهای توسعه مسکن روستایی می‌باشد اما به جرات می‌توان ادعاکردکه ورود معماری شهری به روستاها با به اجراگذاشتن برنامه‌های توسعه روستا هم زمان می‌باشد. (جدول شماره ۲) هرچند سابقه برنامه ریزی برای روستاها به قبل ازانقلاب می‌رسد، اما مرور برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد در طول اجرای برنامه‌های آندوره فقط اصلاحات ارضی و خروج اربابان روستایی بود که مهمترین تاثیر را درکالبد، سیما و بافت روستایی گذاشت (حجت، ۱۳۸۵، ص ۸۳). پس از انقلاب تا سال ۱۳۸۴ حجم برنامه‌ها و اقدامات صورت گرفته در روستاها به طور فزاینده‌ای افزایش یافت، اما عمده این اقدامات به تامین زیر ساختها، خدمات اجتماعی چون آموزش، بهداشت، درمان، آب، راه و برق در روستاها انجامید. در این میان در زمینه تامین مسکن روستایی از برنامه دوم توسعه، در قالب تبصره ۵۲ قانون بودجه سال ۷۳ و ۷۴، طرح بهسازی مسکن روستایی پیش بینی شده و هر ساله اعتباراتی به این بخش اختصاص می‌گرفت. علی رغم اقدامات مختلف انجام یافته در این طرح و احداث حدود ۱۹۳ هزار واحد مسکن روستایی در طول برنامه‌های دوم و سوم توسعه، فقط ۱۸.۷ درصد از برنامه فوق محقق گردید (سرتیپی پور، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

۲-۱ آشنایی با طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی و جایگاه الگوهای بومی‌در این طرح

از سال ۱۳۸۴ و در طول برنامه چهارم توسعه و جهت ایجاد حرکتی کارا و قوی برای تحقق ساخت و ساز مسکن روستایی پیش بینی ساخت سالانه دویست هزار واحد مسکن روستایی در قالب دو طرح پنج ساله، جمعا به تعداد دو میلیون واحد مسکن روستایی تحت عنوان **«طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی»**[۳] انجام پذیرفت. تصویب نامه هیات وقت وزیران در سال ۸۴ مقدمات اجرایی کار را در همان سال فراهم ساخت و طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی بعد از تدوین منشور طرح[۴] و دستورالعمل اجرایی جهت اجرا ابلاغ گردید.

بررسی ساخت و سازهای فعلی روستایی حاکی از آن است که اغلب ساخت و سازهای مسکن روستایی در چارچوب همین طرح می‌باشد و بنابراین جهت بررسی

۳. طبق دستورالعمل این طرح دولت به پرداخت تسهیلات یارانه دار به متقاضیان اقدام می‌نماید وکلیه مراحل ساخت و ساز توسط متقاضیان انجام می‌پذیرد و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌متولی پرداخت تسهیلات با مشارکت بانکهای عامل و هدایت مراحل مختلف اجرای طرح و نظارت بر ساخت و سازها می‌باشد.

۴. طبق منشور اهداف طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی اهداف زیر باید با اجرای این طرح محقق گردد:
احداث مسکن مقاوم و بادوام روستایی، تلاش در حفظ هویت معماری بومی‌مسکن روستایی، تامین جنبه زیباشناسانه سیمای روستا، تامین مسکن متناسب با نیازروستایی، احداث مسکن سبز، تغییرفضای روستا از محیطی غیربهداشتی، آسیب پذیر و روبه زوال به فضای سرزنده، شاداب و جذاب به لحاظ جلوگیری از مهاجرت، تطبیق کالبد مسکن روستایی با زندگی امروزی، گذر از نگرش (تامین سرپناه برای روستایی) به (تامین مسکن برای روستایی)، ارتقاء توسعه سکونتگاههای روستایی و تلاش در نزدیکی سطح بهره مندی از رفاهیات شهرها و روستاها، تلاش در بهینه سازی مصرف انرژی در مسکن روستایی، افزایش قابلیت و سرعت اجرای طرح‌های کالبدی و عمرانی روستاها، تامین بهداشت محیط روستایی با تولید انبوه مسکن روستایی بهداشتی (ارتقاء سطح بهداشت در سکونتگاههای روستایی)، تلاش در به حداقل رساندن آثار مخرب تقلید کورکورانه از ظواهر شهری نامناسب در تولید مسکن روستایی، ایجاد تحرک در چرخه تولید مسکن روستایی، ترویج الگوهای منتخب و برجسته معماری روستایی به لحاظ فرم وجنبه‌های زیبا شناختی سیمای روستا، ترویج فرهنگ بیمه و ایجاد زمینه‌های لازم جهت تحت پوشش قراردادن واحدهای احداثی مسکن روستایی.

جدول ۲. بررسی معماری روستاها؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

نوع برنامه	دوره زمانی	نحوه طراحی	نوع معماری
توسعه مسکن روستایی بدون برنامه ریزی	شکل گیری روستا تا اصلاحات ارضی	بدون معمار	ارگانیک
	از اصلاحات ارضی تا برنامه اول توسعه	بدون معمار	التقاطی
توسعه مسکن روستایی با برنامه ریزی	از برنامه اول تا برنامه چهارم توسعه (طرح بهسازی مسکن روستایی)	اغلب بدون معمار و گاها توسط معمار شهری	التقاطی وشهری
	در طول برنامه چهارم توسعه (طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی)	توسط معمار شهری	شهری

ساخت و سازها و آسیب شناسی آن، می‌بایست ابعاد مختلف طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی مورد تدقیق قرارگیرد. بدین منظور این طرح را از دو بعد کمی وکیفی مورد ارزیابی قرار می‌دهیم (نمودار شماره ۲).

۲-۱-۱ بررسی طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی از بعد کمی

از نقطه نظرکمی آمار موجود حکایت از جهش عمده در ساخت و ساز مسکن روستایی نسبت به برنامه‌های قبل از آن داشته، و نوسازی سالانه حداقل دویست هزار واحد مسکن روستایی، تحقق نزدیک به صددرصدی اهداف کمی برنامه را نشان می‌دهد، به طور مثال نسبت پروانه‌های روستایی صادره در این مدت به تعداد کل واحدهای مسکونی روستایی استان آذربایجان شرقی، نوسازی حدود ۲۵ درصد کل واحدها را نشان می‌دهد (مآخذ: واحد بهسازی مسکن روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان آذربایجان شرقی)؛ بنابراین با نگاهی به افق ده ساله طرح و با فرض ثابت بودن سرعت تعداد پروانه‌های صادره، در پایان برنامه حداقل ۶۰ درصد از ساختمانهای مسکن روستایی این استان نوسازی خواهند گردید. (مشابه چنین آماری را می‌توان برای سایر استان‌ها هم محاسبه نمود.)

۲-۱-۲ بررسی طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی از بعد کیفی

نگاهی به منشور اهداف طرح ویژه نشانگر اهمیت حفظ هویت بومی و تامین جنبه‌های زیباشناسانه محیط و غیره (ارتقاء کیفی واحدهای روستایی)، می‌باشد. این اهداف

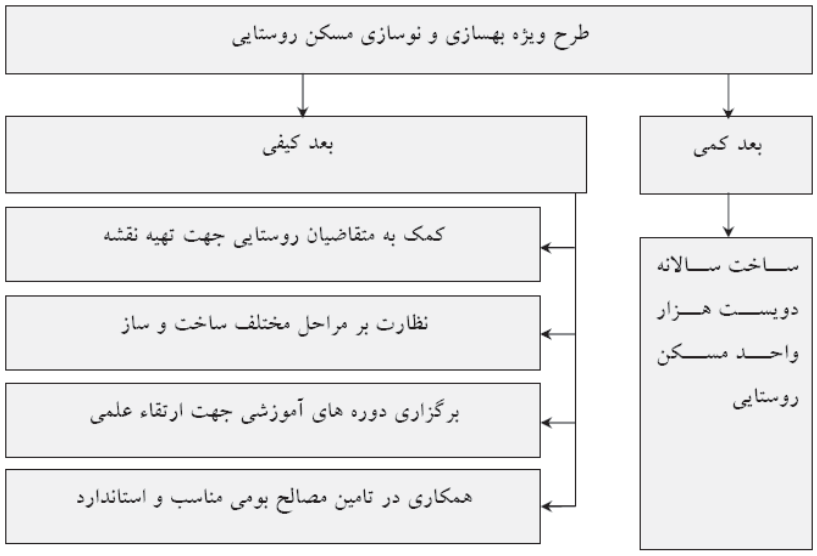

از طرق گوناگون صورت می‌پذیرد (نمودار شماره ۲).

الف: «کمک به متقاضیان جهت تهیه نقشه‌های مناسب مسکن روستایی»

اهمیت تهیه نقشه‌های مسکن روستایی به عنوان اولین مرحله از ساخت و ساز روستایی، و عدم وجود ضوابط خاص و منابع مطالعاتی منطبق با الگوهای بومی در هر منطقه، باعث گردید تا بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به عنوان متولی حوزه مسکن روستایی، از طریق مشاورین ذی صلاح که از آنها به عنوان «مشاورین مادر» یاد می‌گردد، اقدام به تهیه الگوهای بومی مسکن روستایی بر اساس، اقلیم، فرهنگ، مصالح بومی، شیوه‌های فن و ساخت محلی، نظام روستایی و غیره بنماید. این الگوها در اختیار دفاتر فنی و مهندسی، متشکل از حداقل یک مهندس عمران و یک مهندس معماری قرار گرفتند تا نقشه‌های تهیه شده توسط آنان، هماهنگ با این الگوها باشد.

ب: «نظارت بر مراحل مختلف ساخت و ساز»

در مرحله ساخت نیز، با تشکیل نظام فنی روستایی و اعمال نظارت مستمر و اصولی بر واحدهای ساخته شده اجرای مناسب واحدهاکنترل می‌گردد.[۵]

ج: «برگزاری دوره‌های آموزشی جهت ارتقاء توان علمی و اجرایی دست اندر کاران اجرای طرح»

جهت بالا بردن توان علمی و اجرایی دست اندرکاران طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی، دوره‌های آموزشی متعدد جهت تربیت کارگران و استادکاران ماهر، ارتقا دانش علمی اعضای نظام فنی روستایی و اعضای دفاتر فنی و مهندسی، وکارکنان وکارشناسان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تشکیل می‌گردد:

د: «همکاری در تامین مصالح بومی‌مناسب و استاندارد»

به علت دشواری‌های موجود در تامین مصالح استاندارد و محرومیت بسیاری از مناطق روستایی و صعب العبور بودن آنها، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با شناسایی مصالح بومی هر منطقه و کارگاههای استاندارد تولیدکننده مصالح، به تشویق متقاضیان (و در صورت لزوم اجبار آنها) به استفاده از این مصالح اقدام می‌نماید (مآخذ: واحد بهسازی مسکن روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان آذربایجان شرقی).

اما پژوهش‌های صورت گرفته روی ساخت و سازهای جدید روستایی نشان دهنده این موضوع هستندکه، علی رغم تمام تلاشهای صورت‌گرفته جهت ارتقاءکیفی طرح و پیاده نمودن الگوهای بومی‌در ساخت و سازهای جدید، (و البته موفقیت آمیز بودن بعضی از این اقدامات) در اغلب موارد ساخت و سازهای صورت گرفته در قالب این طرح، چهره‌ای کاملا شهری به خود گرفته‌اند و الگوهای بومی‌مسکن روستایی و هویت غنی نظام روستایی در این خانه‌ها بسیارکم رنگ گشته‌اند.[۶] (جدول شماره ۳ و تصویر شماره ۱) جهت آسیب شناسی موضوع، باید ابعاد کیفی طرح و مخصوصا روند تهیه نقشه‌های مسکن روستایی و جایگاه الگوهای بومی مسکن روستایی در این فرایند، مورد بازنگری قرارگیرد.

مفاهیم کم رنگ شده در ساخت و ساز های جدید

-تبدیل فرم ارگانیک واحدهای مسکونی به فرمهای کاملا هندسی	-کم رنگ شدن مسائل اقلیمی
-حذف فضاهای نیمه باز و بینابین در واحدها	-نادیده گرفتن مسائل مربوط به محرمیت در فضاها
- حذف کارکرد حیاط و تبدیل آن به پارکینگ	-استفاده از مصالح روز (بدون توجه به بافت پیرامون واحدها)
-حذف فضاهای خدماتی در واحدها	-طراحی نماهای همسان با خانه های شهری
-تفکیک کامل فضاهای زیستی بر اساس کارکرد	-عدم توجه به اندازه فضاها
-حذف سلسله مراتب ورودی	-عدم توجه به دید و منظر

۵. فعالیت ناظران نظام فنی روستایی نیز از طریق مشاوران ذی صلاح تحت عنوان «دستگاه عالی نظارت»کنترل و هدایت می‌گردند.

۶. ر.ک طرح پژوهشی، ارزیابی مطالعات و الگوهای مسکن روستایی، استان آذربایجان شرقی، (مرحله اول ــ ارزیابی مطالعات و الگوها). مرکز تحقیقات، مرمت بناها و بافتهای تاریخی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

جدول ۳. ارزیابی معماری واحدهای ساخته شده با الگوهای مسکن روستایی، ماخذ: طرح پژوهشی، ارزیابی مطالعات و الگوهای مسکن روستایی، استان آذربایجان شرقی، مرحله ۵. دانشگاه هنر اسلامی‌تبریز

استان آذربایجان شرقی (تعداد واحد بررسی شده: ۱۳۳)						
		ایوان	آشپزخانه	اطاق مهمان*	اطاق خواب	اطاق نشیمن
وجود فضا		۵۹	۱۳۰	۵۵	۱۱۶	۱۳۳
اندازه	مطابقت با احکام	۲	۱۳	۱۰	۲۴	۵
	عدم مطابقت با احکام	۵۷	۱۱۷	۴۵	۹۲	۱۲۸
نورگیری	مطابقت با احکام		۵۸	۱۱	۴۵	۸۸
	عدم مطابقت با احکام		۷۲	۴۴	۷۱	۴۵
دسترسی	مطابقت با احکام		۱۲۷	۴۸	۱۱۴	۶۴
	عدم مطابقت با احکام		۳	۷	۲	۶۹
میانگین مساحت واحدها		۹۷.۵٤				

۲-۲ روند اجرای طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی و نحوه تهیه نقشه‌های مسکن روستایی

هرچند با نگاهی به روند تهیه نقشه‌های روستایی می‌توان به جایگاه والای الگوهای بومی‌در تهیه نقشه‌های پی برد، اما همانگونه که پیشتر اشاره شد، استفاده از این الگوها در عمل ناموفق بوده است. جهت یافتن دلایل آن می‌بایست روند تهیه نقشه‌های مسکن روستایی و حوزه‌های درگیر با آنها مشخص گردند (دیاگرام شماره ۳).

تصویر ۱. مقایسه وضع موجود مسکن روستایی با ساخت و سازهای جدید، ماخذ: آرشیو بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

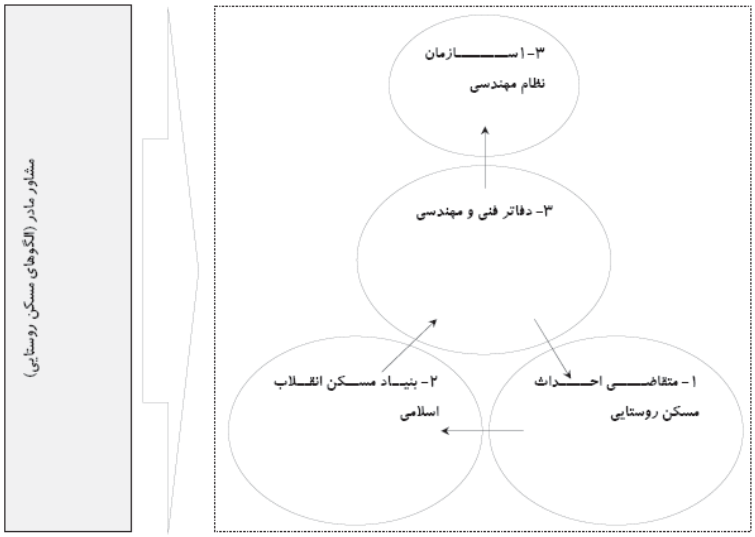

۳- ارزیابی علل عدم انطباق خانه‌های نوساز روستایی با نظام حاکم بر روستاها

بررسی پروسه تهیه و اجرای نقشه‌های مسکن روستایی نشان می‌دهد، چهارگروه در امر تهیه الگوهای مسکن روستایی، دخالت موثر دارندکه عبارتند از: «**۱- متقاضیان طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی به عنوان کارفرما، ۲- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌به عنوان متولی اجرای طرح، ۳- دفاتر فنی و مهندسی به عنوان تهیه کنندگان نقشه‌ها و ۴- مشاور مادر به عنوان تهیه کننده الگوهای مسکن روستایی.**» جهت ارزیابی علل ضعف

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۹ بهار و تابستان ۱۳۹۱
No.29 Spring & Summer

نمودار ۴. حوزه‌های تاثیرگذار بر الگوهای مسکن روستایی؛ ماخذ: نگارنده.

نقشه‌های مسکن روستایی، و عدم اجرای الگوهای مسکن بومی، بررسی عملکرد این چهار گروه ضروری می‌نماید (نمودار شماره ۴).

۳-۱ متقاضیان طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی به عنوان کارفرمایان

اولین حلقه مربوط به مشکلات نقشه‌های مسکن روستایی مربوط به عدم تمایل روستائیان به استفاده از الگوهای مسکن روستایی در این نقشه‌ها و در صورت تمایل، عدم توان اجرایی روستائیان در بکارگیری آنها می‌باشد.

الف: «تغییر نگرش متقاضیان روستایی نسبت به نظام روستایی»: زندگی روستایی و نوع نگرش روستائیان به جهان و طبیعت و امکانات و دانش او برای ساخت و تولید باعث می‌شود تا اجزاء محیط به مطلوب‌ترین حالت و با رعایت سادگی و با حداکثر کارائی شکل گیرد و معماری ارگانیک روستایی و سازمان فضایی کالبدی روستا که انعکاس ارزشهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن به شمار می‌رود، متاثر از این نحوه کارکرد به وجود آید. در حالیکه در فضاهای مسکونی شهری هر عنصر فضایی کارکردی معین را به صورت ویژه و منحصر به فرد به خود اختصاص می‌دهد، در فضاهای مسکونی روستایی، بیشتر عناصر فضایی علاوه برکارکردی خاص،کارکردهای مکمل با دیگر عناصر را نیز عهده دار می‌باشند؛ بطوریکه گاهی هویت و بقای آنها در ارتباط باکارکرد کل مجموعه معنی پیدا می‌کند (سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ص ۴۴). افزایش ارتباطات و تغییر هنجارهای حاکم، شرایط نامناسب اقتصادی،کمبود امکانات و غیره باعث گردیده تا متقاضی روستایی همچون همسلف شهری خود خواهان تغییر نظام حاکم و بهبود شرایط زندگی خود باشد و در صورت مهاجرت نکردن، اولین قدم اجرایی این تغییر را در همشکل کردن خانه خود با مسکن شهری بدون توجه به الگوهای بومی مسکن روستایی بداند.

ب: «دلبستگی نسبت به ظواهر شهری و تقلید ناقص از آن»: فارغ از تمام تفاوتهای نظام زندگی شهری و روستایی، متقاضی روستایی در مواجهه با نظام شهری و کالبد شهرها دلباخته و فریفته کالبد شهر می‌گردد و بی هیچ مقاومتی اسیر چهره هزار رنگ شهرها شده و بنابراین در هرگونه ساخت و ساز ظواهر شهری را الگوی خود قرار داده و بی آنکه با خصوصیات زندگی شهری آشنا باشد، صرفا به تقلید ظاهری آن می‌پردازد و تماشایی است تقلید ناقص از مرجع نادرست! از یک طرف مرجعی را برای تقلید بر می‌گزینند که در جایگاه خویش با هزار مشکل مواجه است و در پاسخ دادن به نیازهای ساکنانش عاجز، و ثانیا بی آنکه با ساختارکارکردی مرجع آشنا باشد به وسع خویش و از آنچه که در دیدرسش قرار دارد مقداری راگلچین نموده و عینا تقلید می‌نماید، و در این میان الگوهای بومی‌مسکن روستایی که از سنت حاکم روستا اقتباس شده‌اند، مهجور مانده و رغبتی به استفاده از آنها نشان داده نمی‌شود، و اینگونه می‌شود که متقاضی روستایی با تکرار آنچه‌که در شهر می‌بیند، بدون تامل در درستی و نادرستی آن، می‌خواهد (به خیال خود) جبرانی کرده باشد عقب ماندگی خود را از شهر و البته ناگفته پیداست که تجربه زیستن در این خود ساخته چه ناگواراست (تصویر شماره ۲).

ج: «عدم آگاهی کافی از اهمیت رعایت الگوهای مسکن روستایی»: در این میان عدم علم روستائیان بر ویژگیهای نظام روستایی و ضرورت حفظ آن بر مشکلات دامن می‌زند. برای روستایی کاهگل و خشت نشان بی تمدنی، و سنگ گرانیت، نمای پلاستیکی و غیره نشان از تمدن دارند، عدم به‌کار بردن نمای کاهگلی نه در ضعف این نما و نیاز آن به مراقبت، بلکه به خاطر منسوخ بودن استفاده از آن در شهرهاست، حال مهندسان هرچه قدر در بهبود ضعف این نماکوشیده باشند و روستائیان را به استفاده از آن ترغیب نموده باشند، نه تنها باعث تغییر نظر آنها نمی‌شود بلکه در صورت اصرار دفاتر فنی و مهندسی مبنی بر لزوم رعایت الگوهای معماری روستایی، متقاضی روستایی شاکیانه دفتر دیگری را برای طراحی برمی‌گزینند.

د: «محدود بودن امکانات اقتصادی متقاضیان»: اما جالب اینکه در این الگوبرداری از شهرها بودجه محدود و اقتصاد ضعیف روستایی هم بر مشکلات می‌افزاید. با توجه به میزان سقف تسهیلات ارائه شده و اقتصاد ضعیف روستائیان که پیشتر در مورد آن سخن گفته شد،

آنچه‌که ساخته می‌شود قابل پیش بینی است، استفاده از مصالح درجه چندم و فاقد استاندارد به علت ارزان بودن.

ه: «**نبود نیروی متخصص اجرایی**»: و نهایتا ساخت و ساز روستایی با تمام فراز و نشیبهایش وابسته به نیروی کاری است‌که آشنایی چندانی با فرایند ساخت ندارد.

۲-۳ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌به عنوان متولی اجرای طرح

همانطور که پیشتر اشاره شد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌از آغاز برنامه دوم توسعه، موضوع مسکن روستایی را در دستورکار خود قرار داد و با شروع طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی از برنامه چهارم توسعه، تلاش زیادی جهت همگام نمودن روند اجرای پروژه با الگوهای بومی‌نظام روستایی انجام داد. اما علی رغم این تلاشها، این نهاد نیز در عدم اجرای الگوهای بومی‌مسکن روستایی، به دلایل ذیل بی تاثیر نیست.

الف: «توجه بیش از اندازه در جهت تحقق کمی طرح و غفلت از جنبه‌های کیفی آن»: برای نیل به اهداف‌کمی برنامه، این طرح از نخستین مراحل اجرایی روندی انقلابی با سرعتی بالا به خود گرفت. لزوم تحقق جذب سالانه دویست تا سیصد هزار تسهیلات ساخت مسکن روستایی، باعث شد تا عمده تلاش بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌در جهت تحقق اهداف‌کمی طرح صورت پذیرد و توجه به ارتقاء‌کیفیت‌های فضایی و محیطی مسکن در اولویت بعدی قرارگیرد.

ب: «مترادف دانستن ارتقاء کیفیت مسکن روستایی با مقاوم سازی مسکن روستایی»: به علت آسیب‌های فراوانی که مسکن روستایی از بلایای طبیعی در کشور می‌بیند، عمده توجه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌در اجرای طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی صرف پرداختن به مسائل سازه‌ای و مقاوم سازی مسکن روستایی[۷] می‌شود. این توجه تا بدان حد پیش رفته‌که صرف رعایت مسائل سازه‌ای در چارچوب مقررات جاری کشور، به مجوز لازم و کافی جهت احداث مسکن روستایی تبدیل گردیده است. طبیعی است این نوع برخورد، باعث‌کمرنگ شدن مسائل معمارانه در ارتباط با مسکن روستایی شده و عملا مطالعات انجام یافته در این زمینه مجال اجرایی شدن نمی‌یابند.

ج: «عدم باور راستین کارشناسان حوزه درگیر با طرح بر لزوم اجرای الگوهای مسکن روستایی»: به علت ترکیب تیم کارشناسان درگیر با طرح در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌از نظر تخصص و عدم آشنایی کافی این تیم با مباحث مربوط به الگوهای بومی‌مسکن روستایی، اعتقاد راستین به لزوم حفظ نظام روستایی و اجرای الگوهای مسکن روستایی وجود ندارد. این بدنه نسبت به‌کنترل

تصویر ۲. تغییر نگرش روستایان نسبت به زندگی وسعی در شبیه کردن خانه‌های خود به مسکن شهری، مآخذ: ماخذ: طرح پژوهشی، ارزیابی مطالعات و الگوهای مسکن روستایی، استان آذربایجان شرقی، مرحله ۱.

۷. نگاهی به روندکنترل نقشه در مراجع ذی صلاح نشان می‌دهدکه حتی در ساختمانهای شهری هم، عمده دغدغه مسئولین مقاوم بودن ساختمان است و مسائل مربوط به معماری را در اولویت‌های بعدی در نظر می‌گیرند.

تصویر ۳. نمونه هایی از واحدهای مسکن روستایی از محل تسهیلات طرح ویژه با مصالح متنوع به ترتیب: سیمانی، آجری، سنگی و حتی پلاستیکی؛ مآخذ: آرشیو بنیاد مسکن

سازه‌ای طرح ها، سخت‌گیر بوده و اجرای آنرا اولویت اول فرض می‌کنند، درحالیکه معمولا مباحث معماری را مباحثی درجه دوم دانسته وکنترل معماری طرح‌ها را در اولویت دوم قرار می‌دهند. مشاهده واحدهای منتخب بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌که در مناسبت‌های گوناگون توسط مسئولین به بهره برداری می‌رسند، گواهی بر این مدعاست (تصویر شماره ۳).

د: «محدودیت‌های اقتصادی»: از طرف دیگر مسائل اقتصادی مانع از استمرار مطالعات جدید، بهره‌گیری از دانش روز، ارزیابی‌های متعدد مطالعات و الگوهای مسکن روستایی می‌گردد. معمولا به علت محدود بودن منابع مالی جهت انجام پروژه‌های تحقیقاتی، این مطالعات بعد از اتمام، ادامه داده نمی‌شوند و همکاری با مشاورین مادر هم در همان مرحله قطع می‌گردد و نتایج بدست آمده از مطالعات یک منطقه به تمام مناطق تعمیم داده می‌شود. این در حالی است‌که اصلاح نقاط ضعف الگوهای مسکن روستایی درگرو بررسی تجربیات و استمرار امر پژوهش می‌باشد.

۳-۳ دفاتر فنی و مهندسی به عنوان تهیه کنندگان نقشه‌ها

همانطورکه عنوان شد، در روند تهیه نقشه‌های طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی متقاضیان جهت تهیه نقشه به دفاتر فنی و مهندسی معرفی میگردند. به علت بروز عوامل متعدد در اکثر موارد نقشه‌های تهیه شده توسط دفاتر فنی و مهندسی بدون لحاظ‌کردن الگوهای مسکن روستایی و بر اساس معیارهای شهری طراحی می‌گردد.

الف: «عدم تجهیز تمام مناطق استانها با دفاتر فنی و مهندسی و نیروهای متخصص»: علی رغم تاکید بر عضویت تخصص‌های متعدد (حداقل یکنفر مهندس معمار و یک مهندس سازه) در دفاتر فنی و مهندسی، در بعضی از مناطق به علت عدم وجود نیروی متخصص کافی، عملا امکان تشکیل دفاتر فنی و مهندسی با شرایط مذکور، مقدور نیست.

ب: «عدم کنترل جامع نقشه‌های تهیه شده توسط دفاتر فنی و مهندسی»: نقشه‌های تهیه شده جهت کنترل به نمایندگی‌های سازمان نظام مهندسی در سطح استانها ارسال می‌گردند. اما اولا نمایندگی‌های سازمان نظام مهندسی نیز در تمام مناطق استان تجهیز نبوده و معیار کنترل نقشه ها، همان چک لیستهای نقشه‌های شهری می‌باشد و الگوهای بومی‌مسکن روستایی در این کنترل نقشی ندارند.

ج: «عدم شناخت کافی نیروهای دفاتر فنی و مهندسی از معماری مسکن روستایی»: برخورد دفاتر فنی و مهندسی با موضوع طراحی مسکن روستایی هم از لحاظ ظاهری، و هم کالبدی و ... تفاوت چندانی با مسکن شهری نمیکند. به نظر می‌رسد علی رغم تشکیل جلسات متعدد آموزشی، آنان نیز همچون کارفرمایان روستایی خود اعتقادی به لزوم حفظ نظام روستایی ندارند. بنابراین در اغلب موارد اصول طراحی مسکن شهری به عنوان نظام غالب پذیرفته و از آنچه‌که مربوط به روستاست، به عنوان الگویی تاریخ گذشته یاد می‌گردد. این دفاتر معمولا در برابر الگوهای مسکن روستایی مقاومت نموده و اجرای آنرا امری غیر ضروری می‌دانند! به جای تشویق متقاضی

برای حفظ الگوی مسکن روستایی او را به اجرای مسکنی مشابه آنچه شهریان می‌سازند ترغیب می‌نمایند.

د: «عدم بازدید دفاتر فنی و مهندسی از زمین‌های متقاضیانی که باید طراحی کنند»: به علل متعدد از جمله پائین بودن دستمزد خدمات مهندسی دفاتر فنی و مهندسی و همچنین بعد مسافت و گاها صعب العبور بودن مکان پروژه ها، امکان بازدید از مکان پروژه‌ها وجود نداشته و کل شناخت دفاتر از سایت پروژه محدود به کروکی اولیه[8] تهیه شده توسط کارشناس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و همچنین اظهارات متقاضی میباشد. و این باعث می‌شودکه در اکثر موارد عوامل موثر در طراحی همچون (همسایگی‌ها، ارتباط بنای جدید با ساختمان‌های قدیمی، شیب و غیره) لحاظ نگردد.

۳-۴ مشاور مادر به عنوان تهیه کننده الگوهای مسکن روستایی

همزمان با اجرای طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی در زمستان سال ۸۴، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در هر استان اقدام به شناسایی مراکز علمی، پژوهشی ذیصلاح تحت عنوان مشاور مادر برای تهیه الگوهای مسکن روستایی، جهت آماده نمودن سیاستهای منطقه ای توسعه مسکن روستایی نمود.[9] مشاورین به انجام مطالعات نظری و میدانی محلی، منطقه ای، جغرافیایی، اقلیمی، معیشتی و غیره پرداخته و ماحصل کار ارائه ضوابط و مقررات برای تهیه نقشه‌های مسکن روستایی و همچنین ارائه تعدادی الگوی مسکن روستایی سازگار با الگوهای بومی مسکن روستایی بود. اما بعد از گذشت چهار سال از اجرای طرح و مشاهده آثار طرح می‌توان دریافت که هنوز الگوهای یاد شده، به دلایل زیر موفقیت چندانی در کنترل ساخت و ساز روستایی نداشته‌اند.

الف: «محدود بودن حوزه مطالعات میدانی مشاوران در تهیه الگوهای مسکن روستایی»: در مطالعات انجام یافته توسط مشاوران مادر به علت محدودیت منابع مالی و الزام کارفرما در اتمام هرچه سریعتر پروژه، تعداد روستاها و واحدهای مورد مطالعه در مطالعات میدانی بسیار محدود بودند. از این رو ضوابط ارائه شده از نتایج مطالعات محدود بوده و جنبه عمومی به خود نگرفته و ناچارا به کل منطقه مورد پژوهش تعمیم داده شدند، و همین امر باعث دشواری استفاده از ضوابط در روند طراحی مسکن روستایی گردید.

ب: «نگاه شهری بر فرایند توسعه روستایی در تهیه الگوهای مسکن روستایی»: یکی از مشکلات اساسی برنامه‌های مسکن روستایی تعمیم سیاست‌های استراتژیک مسکن شهری بر روستاها می‌باشد. به طور مثال همشکل بودن تعداد بسیار قطعات شهری امکان تدوین ضوابط مشترک برای شهرها را امکان پذیر نموده است. اما در روستا علی رغم وسعت بسیارکم آن نسبت به شهر به علت ویژگی‌های خاص نظام روستایی و محدود بودن اراضی روستایی، امکان ارائه ضوابط برای تمام قطعات (به طوریکه برای تمام آنها صدق کند) دشوار می‌نماید. از طرف دیگر پهنه بندی اقلیمی یکی از معیارهای اصلی تقسیم بندی روستاها بود، این در حالیست که با عنایت به توپوگرافی زمین‌های روستا، نوع معیشت روستائیان و غیره ارائه ضوابط یکسان حتی برای قطعات موجود در یک منطقه از روستا کاری سخت می‌باشد، چه برسد به اینکه این ضوابط را به یک پهنه اقلیمی تعمیم دهیم. چه بسا تعداد بسیار فراوانی از روستاهای قرار گرفته در یک پهنه اقلیمی که دارای ویژگی‌های منحصر به فرد، حتی گاها متضاد با سایر روستاهای همجوار باشند؛ بنابراین امکان تسری ضوابط مربوط به الگوها در تمام روستاهای واقع در یک پهنه غیر ممکن می‌نماید.

ج: «عدم انجام یافتن مطالعات اجتماعی در تهیه الگوهای مسکن روستایی»: شناخت روستانشینی معاصر مستلزم شناخت مسائل اجتماعی، اقتصادی،

۸. این کروکی به فرم گزارش اولیه معروف بوده و در آن میزان عقب‌کشی، نوع کاربری و قرارگرفتن زمین در داخل محدوده طرح هادی روستا مشخص می‌باشد.

۹. در این راستا بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان آذربایجان شرقی قراردادی را مرکز تحقیقات مرمت بناها و بافت‌های تاریخی دانشگاه هنر اسلامی تبریز منعقد کرده بود.

فرهنگی و معیشتی روستایی می‌باشد. بدون شک بررسی سنت سکونت حاکم بر کالبد روستا می‌تواند راهگشای شناخت آن باشد، اما این مهم زمانی می‌تواند به عنوان مطالعات جامع مورد نظر باشدکه تمام جوانب این سنت در آن لحاظ گردد. مطالعات انجام یافته تحقیقات مفصلی در مورد اقتصاد روستایی (سنت معیشت)، عوارض طبیعی (مسائل اقلیمی، شیب و غیره) و بافت کالبدی روستا انجام می‌دهند، اما جنبه اجتماعی موضوع مورد غفلت قرارگرفته می‌شود. همین امر می‌تواند یکی از دلایل عدم پذیرش الگوها توسط روستائیان باشد.

د: «عدم داشتن ابزارهای لازم برای ضمانت اجرایی الگوهای مسکن روستایی»: این الگوها بعد از تهیه فقط در حد چند توصیه طراحی باقی مانده و ضمانت اجرایی پیدا نمی‌کنند. بنابراین به علت اینکه این الگوها حالت قانون به خود نمی‌گیرند، به هنگام تهیه وکنترل نقشه ها، الزام قانونی جهت رعایت الگوها وجود ندارد.

ضعف الگوها از یک طرف و عدم اجرای مناسب آنها از طرف دیگر دست به دست هم می‌دهند تا فاصله ای ایجادکنند بین آنچه‌که هست با آنچه‌که باید باشد. و اما در این میان چه بایدکرد؟ مجموعه اقداماتی راکه می‌توان در این زمینه انجام داد می‌توان به چهار سطح مختلف (نمودار شماره ۵) تقسیم‌کرد.

۴- راهکارهای اصلاح الگوهای مسکن روستایی

الف: «ساز و کارهای آموزشی از طریق ارائه آموزشهای لازم با همکاری ارگانها، سازمانها»

به نظر می‌رسد ضعف آموزش و اهمیت استمرار آن از مهمترین موانع موجود در جهت انتقال دانش مناسب برای ساخت و ساز و فرهنگ پذیرش در مناطق روستایی می‌باشد.این آموزشها در سطوح مختلف به شرح زیرتوصیه می‌گردند.

الف: آموزش اهمیت حفظ نظام روستایی به روستائیان، توسط رادیو و تلویزیون به وسیله پخش برنامه‌های مختلف و برگزاری جلسات سخنرانی توسط ائمه جماعت و کارشناسان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در مساجد روستاها.

ب: آموزش مقررات ملی ساختمان و روشهای مناسب اجرا به استاد کاران و کارگران ساختمانی، توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و سازمان فنی و حرفه ای از طریق برگزاری کلاسهای آموزشی و دریافت کارت مهارت فنی.

ج: آموزش الگوهای بومی مسکن روستایی به دفاتر فنی و مهندسی، توسط مشاور مادر و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از طریق برگزاری جلسات منظم و مستمر آموزشی.

د: آموزش الگوهای بومی مسکن روستایی به کارشناسان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (مخصوصا در حوزه مراکز شهرستانها)، توسط مشاور مادر و بنیاد مسکن انقلاب

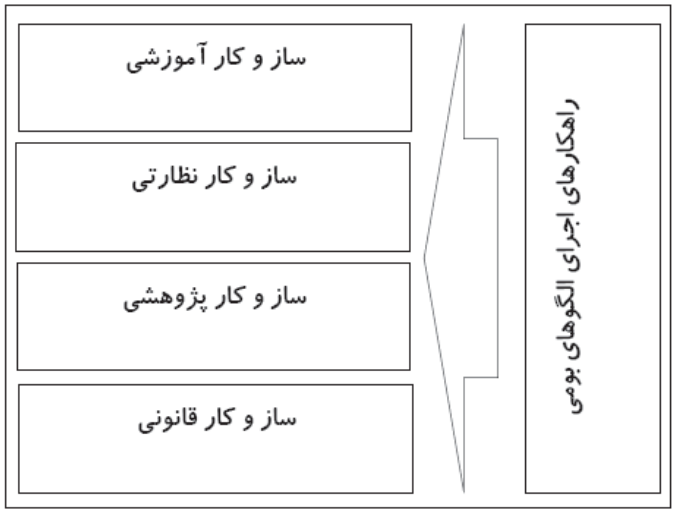

نمودار ۵. سطوح فعالیت جهت اجرای الگوهای بومی؛ ماخذ: نگارندگان.

اسلامی‌مرکز از طریق برگزاری کلاسهای آموزشی، سمینارها، همایشها و غیره.

ه: اهتمام در برگزاری برنامه‌های درس روستا در دانشگاهها و آشنا نمودن فارغ التحصیلان رشته‌های معماری با نظام روستایی.

ب: «ساز و کارهای نظارتی از طریق اعمال نظارت مناسب بر مراحل مختلف اجرای طرح»: اطمینان از اجرای صحیح هر پروژه‌ای درگروکنترل و نظارت می‌باشد، علی رغم نظارت‌های چند مرحله ای بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌بر پروسه طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی و البته موفق بودن این نظارتها، اعمال تغییراتی در این پروسه لازم می‌باشد.

الف:کنترل نقشه‌های مسکن روستایی توسط مراجع ذی صلاح (نظام مهندسی و مشاور مادر) بر اساس معیارها و شرایط تعیین شده توسط مشاور مادر و الگوهای بومی‌مسکن روستایی؛

ب:کنترل نحوه ساخت و ساز و الزام در همسان بودن اجرا با نقشه توسط کارشناسان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مشاور عالی نظارت.

ج: «ساز وکارهای پژوهشی از طریق استمرار در امر پژوهش»: همانطورکه پیشتر اشاره گردید، یکی از دلایل ضعف الگوها عدم استمرار پژوهش می‌باشد. معمولا با گذشت چند ماه از اجرای طرح و به اتمام رسیدن فرصت قراردادهای پژوهشی، نتیجه مطالعات در اختیار بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌قرار داده می‌شود، اما هیچگاه امکان بررسی نقاط ضعف و قوت طرح‌ها به وجود نمی‌آید. در این راستا پیشنهاد می‌شود با انعقاد قراردادهای بلند مدت با مشاورین مادر امکان بررسی نقاط ضعف و قوت الگوها فراهم گردد و مشاورین مادر در کلیه مراحل همراه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی باشند.

د: «ساز و کارهای قانونی از طریق لازم الجرا نمودن الگوهای مسکن روستایی»: مطمئنا بدون الزام‌های قانونی جهت اجرای الگوهای مسکن روستایی، الزام جهت رعایت الگوها امری ناممکن خواهد بود، در این راستا پیشنهاد میشود نتایج الگوها درکمیته‌های راهبری استان بررسی و تصویب گردیده و حالت قانون به خود بگیرند، تا امکان اعمال فشار مبنی بر لزوم رعایت الگوها به وجود آید.

نتیجه گیری و جمعبندی

بررسی معماری جدید روستاها نشان می‌دهد که بافت روستاها به سرعت در حال تغییر چهره دادن و دور شدن از نظام ارزشمند روستایی و شبیه شدن معماری روستاها به معماری شهری می‌باشد. بلاخیز بودن کشور و نیاز به تامین مسکن جدید، نوسازی بافت روستاها را امری گریز ناپذیر نموده و اقتصاد ضعیف روستائیان انجام این مهم را بدون حمایت و مشارکت دولت ناممکن می‌سازد. در این راستا ساخت و ساز مسکن روستایی در قالب طرح بهسازی مسکن روستایی (برنامه‌های دوم و سوم توسعه) و طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی (برنامه چهارم توسعه) توسط برنامه ریزان دولتی طرح ریزی شده است. با توجه به این نکته‌که قسمت اعظم ساخت و ساز مسکن روستایی معاصر در قالب این طرح انجام می‌پذیرد، ارزیابی جایگاه الگوهای بومی‌مسکن روستایی درگرو شناخت دقیق ابعاد مختلف‌کمی وکیفی طرح مذکور می‌باشد.

بررسیها نشان می‌دهند، علی رغم تحقق اهداف کمی طرح، ابعادکیفی آن چندان موفقیت آمیز نبوده و این در حالی است که، پرداختن به الگوهای بومی‌از همان مراحل آغازین، جزء رسالت طرح بوده و اقدامات گوناگون در این راستا انجام پذیرفته،که مهمترین آنها تدوین الگوهای بومی‌مسکن روستایی توسط مشاورین مادر می‌باشد، اما با این وجود ساخت و سازهای معاصر روستایی از تامین کیفیت فضایی مطلوب فاصله زیادی دارد. این مشکلات را می‌توان در اثر دو عامل: «**۱- عدم جامعیت الگوهای تدوین شده و ضعف آنها در انطباق با تمام جوانب زندگی روستایی؛ و ۲- موانع اجرایی**»، طبقه بندی نمود. بازنگری این دو عامل در عملکرد چهار حوزه درگیر با معماری مسکن روستایی، یعنی روستائیان به عنوان کارفرما، دفاتر فنی و مهندسی به عنوان نیروی متخصص، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌به عنوان متولی اجرا و مشاوران مادر به عنوان تهیه کنندگان الگوهای مسکن روستایی، نشان دهنده این موضوع هستند که

علی رغم وجود بعضی مشکلات در الگوهای تدوین یافته، فرصت مناسب جهت ایجاد ساز و کار لازم برای اجرای کامل الگوهای مسکن روستایی به وجود نیامده است.

لذا با انجام اقدامات مختلف در چهار سطح آموزشی، پژوهشی، نظارتی و قانونی میتوان تا حد قابل قبولی امکان اصلاح موانع اجرایی الگوهای مسکن روستایی را فراهم نمود و اجرای آنها را تسهیل کرد. بعد آموزشی ضامن انتقال تجارب و ایده‌ها از محیط‌های آموزشی و دانشگاهی به حوزه درگیر با طرح و اجرایی نمودن مطالعات می‌باشد. بعد پژوهشی ضامن انجام مطالعات به روز و کارآمد و ایجاد تناسب بین تقاضای متقاضیان و حفظ ارزشهای معماری روستایی می‌باشد. بعد نظارتی ضامن اجرای مناسب و درست مفاهیم مورد پژوهش توسط حوزه‌های ذی ربط بوده و بعد قانونی ضامن ایجاد ساز و کار اجرایی و برخوردهای مناسب در صورت تخلفات احتمالی خواهد بود. نهایتا باید اشاره نمود که عدم توجه به بازخورد طرح در کالبد روستاها و اصلاح نقاط ضعف آن اثرات غیر قابل جبرانی بر کالبد روستاها تحمیل خواهد نمود.

منابع و مآخذ

۱ـ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۳) طرح آمارگیری از ویژگی‌های مسکن روستایی، انتشارات شریف، تهران.

۲ـ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۶) نمونه هایی از الگوی مسکن روستایی مسکن روستایی، انتشارات فراگیر هگمتانه، تهران.

۳ـ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی‌استان آذربایجان شرقی، معاونت بازسازی و مسکن روستایی، گروه بهسازی مسکن روستایی.

۴ـ پارسا، غفار (۱۳۸۵) بحران فقر، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۲۶۶، ۱۳۸۵/۱۰/۷، ص۸

۵ـ حجت، عیسی (۱۳۸۵) تاثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران، مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۶، تابستان، صص ۸۴-۷۵

۶ـ زرگر، اکبر (۱۳۷۸) درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۷ـ سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴) شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۲، تابستان، صص۵۲-۴۳.

۸ـ سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۵) مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه، مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۷، پائیز، صص۴۷-۵۶.

۹ـ سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۷) تجارب خارجی تامین مسکن روستایی، مجله آبادی، شماره ۵۹، تابستان، صص۱۱-۶.

۱۰ـ گلابچی، محمود (۱۳۸۶) علل عدم پایداری ساختمانهای مسکونی روستایی در برابر زلزله و ارائه الگوی ساخت بر اساس امکانات و توانایی‌های محلی، مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۳۰، تابستان، صص۳۱-۴۲.

۱۱ـ عبد مجیری، امین (۱۳۸۷) روشهای طراحی مسکن روستایی در طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی استان خراسان رضوی، مجله مسکن و انقلاب، شماره ۱۲۲، تابستان، صص۴۱-۳۲.

۱۲ـ عزیزی، محمد مهدی، خلیل حاجی پور و احمد خلیلی (۱۳۸۷) طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی، ارزیابی فرایند، مجله آبادی، شماره ۵۹، تابستان، صص۳۷-۳۲.

۱۳ـ مهندسین مشاور نقش محیط (۱۳۸۸) طرح جامع مسکن استان آذربایجان شرقی، سازمان مسکن و شهرسازی استان آذربایجان شرقی.